اخلاق مسلمانی درکلام امام رضا (ع)

سبک زندگی اسلامی با اخلاق اسلامی قابل اجرا است. به همان اندازه که عقاید اسلامی و باورهای آن در تعیین نگرش ها نقش تعیین کننده دارد، همچنین تخلق به اخلاق اسلامی نقش کلیدی واساسی را ایفا می کند؛. زیرا اگر انسان باور به چیزی داشته باشد ولی اخلاق مناسب با آن باور را نداشته باشد، نمی تواند تغییر اساسی در زندگی خود و دیگران ایجاد کند. بسیاری از مسلمانان از اخلاق مسلمانی کمتر بهره برده اند و از همین رو زندگی مسلمانان زندگی اسلامی نیست. نویسنده در مطلب حاضربا بیان برخی از آموزه های اخلاقی اسلامی در کلام حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، به تبیین زندگی اسلامی پرداخته است.

سبک زندگی با اخلاق اسلامی

باورهای مسلمانان را هستی شناسی و جهان بینی اسلامی شکل می دهد. این جهان بینی برغیب از جمله خدا و برزخ و رستاخیز تاکید بسیار دارد و اصالت را به زندگی اخروی می دهد و زندگی دنیا را گذرگاهی به سوی آخرت می داند.

برای رسیدن به کمال می بایست شیوه و سبک خاصی از زندگی را در پیش گرفت که اصول اخلاقی و تخلق به آداب و اخلاق اسلامی در اصلی ترین بخش زندگی مسلمانی جا می گیرد؛ زیرا انسان با اخلاق و خلق خوی نیکوی مسلمانی است که می تواند آخرت خود را بسازد و بلکه خودش را به گونه ای بسازد که شایسته بهشت ابدی باشد. از همین رو پیامبر(ص) ماموریت خود را اتمام مکارم و محاسن اخلاقی برشمرده است. (مشترک الوسائل،ج 2، ص 282، مشکوه الانوار، ص 243و بحارالانوار، ج 66، ص 4؛ ونیز، ج 16، ص 210)

پس اگر بخواهیم خودسازی براساس آموزه های اسلامی داشته باشیم، می بایست تخلق به اخلاق اسلامی را مورد توجه قراردهیم؛ چرا که با این شیوه است که می توانیم یک زندگی آرمانی براساس اسلام و آموزه های آن داشته باشیم؛ زیرا انسان با اخلاق به ویژه اخلاق اجتماعی می تواند خود را برای ابدیت بسازد و به کمالات شایسته و بایسته دست یابد.

اما مشکل اساسی جوامع اسلامی و امت اسلام این است که باورهای خویش را در قالب اخلاق و رفتار به نمایش نمی گذارند و حتی در بسیاری از اوقات برخلاف باورهایشان رفتار می کنند.

مثلا با اینکه باور دارند که زندگی دنیا گذرگاه وکشتزاری بیش نیست که باید در آن قرار نگیرند و دروی کشت خویش را درآخرت داشته باشند، چنان به دنیا و متاع آن دل می بندند که گویی باورشان زندگی ابدی دنیوی است و یا آخرتی در کار نیست.

پس در زندگی به جای احسان و انفاق و گذشت و عفو، بخل و خساست می ورزند و به تفاخر وتکاثر روی می آورند و در عمل برخلاف اخلاق اسلامی رفتار و زندگی می کنند و از عفو و گذشت نسبت به خطا و گناه دیگری خبری نیست.

اخلاقیات زندگی

اگر بخواهیم سبک زندگی خود را اسلامی کنیم لازم است اخلاقیات ما بر آمده از اخلاق اسلامی باشد که پیشوایان دین به عنوان مکارم اخلاقی بیان کرده اند. در اینجا به برخی از اخلاقیاتی که نقش تعیین کننده در زندگی بشر دارد در کلام امام رضا (ع) اشاره می شود:

1- عفو و گذشت:

قرآن مقابله به مثل و مجازات خاطی و گناهکار را مجاز دانسته است. (انعام، آیه160؛ غافر، آیه40؛ شوری، آیه40؛ یونس، آیه27) اما به عنوان احسن و نیکوترین خلق و خوی انسانی بر مکارم و محاسن اخلاق تأکید ویژه داشته و عفو و گذشت را بهتر و برتر از مجازات و عقوبت و مقابله به مثل برشمرده است. این مسئله به ویژه در ارتباطات و تعامل اجتماعی بیشتر مورد تأکید قرار گرفته و به عنوان مصادیقی از احسان و ایثار، دعوت به عفو و گذشت از دیگران شده است. (نور، آیه22) چنانکه خود خداوند نیز با بندگان خویش این گونه عمل می کند و از بسیاری از خطاها و گناهان ایشان با توبه و پوزش خواهی می گذرد. (مائده، آیه15؛ شوری، آیات 25 و 30)

خداوند پیامبرش را مأمور می کند که با عفو و گذشت با مردم برخورد کند و با کرامت از کنار جاهل بگذرد و بهترین و نیکوترین رفتار که معروف و پسندیده در میان بشریت است را برگزیند و با آنان رفتار نماید. (اعراف، آیه199) امام رضا(ع) درباره این سخن خداوند که: «فاصفح الصفح الجمیل؛ پس گذشت کن گذشتی نیک زیبا» (حجر، آیه85) می فرماید: عفو من غیر عقوبه و لا تعنیف و لا عتب؛ مقصود، گذشت بدون مجازات و تندی و سرزنش است. (اعلام الدین، ص307) پس اخلاق اسلامی در تعامل با دیگران اقتضا می کند که نیکوترین و برترین اخلاق که از مصادیق مکارم و محاسن اخلاقی است را در پیش گرفته و بدون تندی و به دور از هر خشونت کلامی و رفتار و یا سرزنش و عتاب و مجازات و عقوبت، از خطا و گناه دیگری بگذریم و عذرش را بپذیریم. با او چنان رفتار کنیم که گویی هیچ خطا و گناهی مرتکب نشده است. اگر چنین رفتاری کنیم آن هنگام است که می توان گفت که سبک زندگی اسلامی را انتخاب کرده و رفتار مسلمانی را در پیش گرفته ایم. امام رضا(ع) در جایی دیگر می فرماید: ما التقت فئتان قط الا نصر أعظمهما عفوا؛ از میان دو گروهی که با هم روبه رو می شوند، پیروزی با گروهی است که بخشش بیشتری داشته باشد. (بحار الانوار، ج71، ص452) پس از نظر آموزه های قرآنی حقیقت پیروزی از آن کسی است که اهل بخشش و گذشت و عفو باشد.

2- مال فدای عرض و آبرو:

از مهم ترین مظاهر اخلاق اسلامی این است که انسان مال خویش را فدای جان و عرض و آبروی خودش کند. برخی از مردم نه تنها این گونه نیستند بلکه حاضرند برای کسب مال، آبرو و عرض خود را نیز حراج کنند؛ در حالی که اخلاق اسلامی بر حفظ آبرو تاکید دارد. اگرچه در اسلام گفته شده که انسان می تواند برای دفاع از مال و جان وعرض خود به جنگ برود و اگر کشته شد شهید است، ولی در میان این سه، بهتر آن است که انسان مال را فدای جان و عرض خویش کند؛ نه آن که عرض و آبروی خود را فدای مال خود کند. بدتر آنکه برخی برای کسب مال، عرض و آبرو می گذارند نه برای حفظ و دفاع از آن. از این رو امام رضا(ع) می فرماید: افضل المال ما وقی به العرض؛ بهترین مال آن است که آبرو با آن محفوظ بماند. (بحارالانوار، ج 78، ص 352)

3- تلاش بر توفیق و توکل:

برخی ها مفهوم توکل را بد فهمیده اند. از نظر آنان می توان با توکل بر خدا و هیچ کار دیگری، شتر را در جایش میخکوب کرد و بست؛ در حالی که براساس آموزه های اسلامی انسان پس از تصدیق به فایده کاری و رسیدن به جزم در اندیشه می بایست در مقام عمل و اراده، عزم داشته باشد و خود تلاش و اقدامی برای تحقق آن انجام دهد، ولی در همان حال بداند که بی توکل و توفیق الهی آن چیز، شدنی و دست یافتنی نیست. (آل عمران، آیه 159) به قول مولوی باید هم توکل داشت و هم با طناب پای شتر را بست. همان طوری که خداوند می فرماید اگر کاری را در آینده می خواهید انجام دهید بگویید ان شا ءالله آن را انجام می دهیم (کهف، آیات 23 و 24) همچنین در انجام هر کاری باید همراه با جزم اندیشه و عزم ارادی، بر توفیق و توکل الهی توجه داشت. امام رضا(ع) در این باره می فرماید: من سأل الله التوفیق و لم یجتهد فقد استهزا بنفسه: هر کس از خدا توفیق بخواهد و تلاش نکند، خود را مسخره کرده است. (میزان الحکمه، ح 2790) البته بیشتر مردم از آن سمت پشت بام افتاده اند، یعنی کاملا از یاد برده اند که بدون توفیق الهی و بدون توکل بر خدا هرگز کاری پیش نمی رود و انسان نباید به خودش مغرور شود و گمان کند که اوست که با تلاش و علم خویش به چیزی رسیده و به مال و نعمت و مکنتی دست یافته است؛ چنانچه قارون چنین تفکری داشت و همه ثروت و قدرت خویش را نتیجه علم و تلاش خود در علم اقتصاد می دانست نه آن که هر چه دارد از خداست. (قصص، آیه 78؛ زمر، آیه 49)

4. تقوا، ملاک ارزش:

از مهم ترین آموزه های اسلامی این است که در تعامل با دیگران باید مبنا و معیار را تقوا قرار دهید. (حجرات، آیه 13) به این معنا که کرامت و بزرگی هر کسی به تقواست نه قدرت و ثروت و یا امور اعتباری دیگر که همه زینت و آرایه های دنیاست (آل عمران، آیه 14) پس وقتی با فقیر و غنی با قدرتمند سیاسی و اجتماعی یا با ناتوان و ناشناس سیاسی و اجتماعی برخورد می کنیم می بایست در تعامل با هر دو یکسان عمل کنیم و اگر درباره میزان تقوای آنان اطلاعات و علمی نداریم و برای ما از این جهت ناشناس هستند باید هر دو را به یک چشم ببینیم و احترام بگذاریم؛ نه آنکه ثروتمند و قدرتمند را بیشتر ارزش و اهمیت دهیم و بی توجه به فقیر باشیم یا به او محل نگذاریم و یا کم محلی و کم توجهی روا داریم؛ چرا که ممکن است او از نظر تقوا شایسته تر از آن ثروتمند باشد. امام رضا(ع) در این باره می فرماید: من لقی فقیرا مسلما فلسم علیه خلاف سلامه علی الاغنیا لقی الله یوم القیامه و هو علیه غضبان؛ هرکس مسلمان فقیری را دیدار کند و برخلاف سلامی که به ثروتمندان می کند، به او سلام کند، روز قیامت در حالی به دیدار خدا می رود که بر او خشمگین است. (عیون اخبار الرضا، ج2، ص 52)

5. پرهیز از حرص و آز:

آزمندی، اخلاق دنیاپرستان است. اینان هستند که از دنیا سیری ندارند و هر چه به ایشان داده شود باز همانند دوزخیان می گویند: هل من مزید، آیا بیشتر از این هست؟ (ق، آیه 30) اما باید توجه داشت که دنیا همانند آب شور دریاست که هر چه بیشتر بنوشی و بچشی بیشتر تشنه می شوی. پس انسان می بایست از زیاده خواهی و تکاثر دنیا دست بردارد و گمان نکند که این تکاثر و گردآوری و شمارش ثروت چیزی به او می افزاید بلکه همین ثروت، بلای جانش خواهد شد و چون آتشی در درون سینه اش به جوشش درمی آید و شعله می کشد. (سوره تکاثر) امام رضا(ع) در یک دسته بندی درباره مردم به این نکته اشاره می کند و می فرماید: الناس ضربان: بالغ لایکتفی و طالب لایجد؛ مردم دو گونه اند: یابنده ای که [به یافته اش] بسنده نمی کند، و جوینده ای که نمی یابد. (همان، ج 78، ص 253) پس نباید این اندازه حرص بزنیم بویژه آنکه براساس مقدرات الهی هر چیزی تقسیم شده و بیش از آنچه که برای تو مقدر است به دست تو نمی رسد و اگر چیزی مقدر شده باشد هیچ کس و هیچ چیزی نمی تواند مانع رسیدن آن به تو باشد. (فاطر، آیه 2)

6. امانت داری:

وفای به عهد و پیمان، از مهم ترین اصول اخلاقی انسانی و اسلامی است (مائده، آیه 2) بر همین اساس انسان مسلمان می بایست اهل وفای به عهد باشد و هر آنچه را که به امانت گرفته به خوبی محافظت و صیانت کرده و به صاحبان آن بازگرداند. این امانت داری حتی نسبت به دشمنان نیز جاری است و بر همین اساس در احادیث آمده که اگر قاتل امام حسین(ع) شمشیری که بدان امام را شهیدکرده به دست امام سجاد(ع) به امانت می داد آن را حفظ کرده و به رسم امانت داری به قاتل باز می گرداند. در آیات قرآنی بر امانت داری و دوری از خیانت، مطالب بسیاری تاکید شده. (انفال، آیه 27) خداوند می فرماید که برخی از مردم به خاطر اختلاف عقیده یا دشمنی این حکم عقل و شرع را عمل نمی کنند و در امانت خیانت می کنند. (آل عمران، آیه 75) البته باید توجه داشت که امین هرگز در امانت خیانت نمی کند، ولی انسان ها گاه در تشخیص امین اشتباه و خطا می کنند و خائن را امین می شمارند و چیزی را به امانت در نزدش می گذارند که خائن، بنا به طبیعت خودش خیانت می کند. امام رضا(ع) می فرماید: لم یخنک الامین و لکن ائتمنت الخائن؛ امین به تو خیانت نمی کند، اما تو خائن را امین می شماری. (بحارالانوار، ج 78، ص 335)

گویند شخصی نزد آیت الله العظمی بروجردی آمد و شکایت کرد که یکی از طلبه های شما از من دزدی کرده است. ایشان در جواب گفتند: «اتفاقا از ما نیز دزدی کرده و آن لباس روحانیت ما بوده است که آن را دزدیده است». پس این دزدها هستند که طلبه شده اند و هرگز یک طلبه دزدی نمی کند؛ چنان که یک امین هرگز خیانت نمی کند بلکه این خائن آمده و خود را امین جا زده است. الان کشور به دست روحانیت به امانت سپرده شده، چنان که دین و آیین مردم نیز امانت الهی در دست آنان است و ایشان می بایست امانت دار باشند ولی به نظر می رسد که گروهی اندک خائن و دزد، لباس روحانیت پوشیده و به خرید و فروش دین چون احبار و رهبان یهودی و مسیحی مشغول شده اند و به امانت الهی خیانت می ورزند. (احزاب، آیه 72) خداوند درباره این دزدان با چراغ علم و دانش که گزیده ترین کالای مردم یعنی ایمان آنان را می دزدند و در اعتماد مردم به خدا و قیامت و علمای اصیل ناب خیانت می ورزند، می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا ان کثیرا من الاحبار و الرهبان لیاکلون اموال الناس بالباطل ویصدون عن سبیل الله والذین یکنزون الذهب و الفضه ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشر هم بعذاب الیم؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بسیاری از علمای یهود و راهبان، اموال مردم را به ناروا می خورند و [آنان را] از راه خدا باز می دارند و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده. (توبه، آیه 34) در حقیقت این دزدانی که جامه روحانیت را دزدیده اند و پیرو هواهای نفسانی خودشان هستند به تکاثر می پردازند به جای آنکه کوثری برای قیامت بردارند، گرفتار هبوط و سقوط شیطانی هستند؛ چنان که امام رضا(ع) به اینان و همانند آنان هشدار می دهد و می فرماید: ایاک ان تتبع النفس هواها فان فی هواها رداها؛ مبادا از هوای نفس پیروی کنی که در آن نابودی نهفته است. (مشکاه الانوار، ص 455)

آنچه بیان شد تنها برخی از جنبه های اخلاقی خدایی است که یک مسلمان باید آن را بیاموزد و در زندگی و سبک زیست خود عملیاتی کند. اگر این چنین متخلق به اخلاق خدایی و اسلامی شویم و زندگی ما انسانی و اسلامی شود دیگر مشکلاتی که اکنون جامعه با آن مواجه است نخواهد بود.